اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**یکی از حضار : این چاپ دار الغرب را هم آوردم فهرست ابن خیر اشبیلی ، این هم همه جا هم روی جلد هم در متن فهرست را با همان تای مدور نوشته است اما یک فصلش مثل فصل در صفحه‌ی 522 می‌گوید ذکر ما رویته من الفهارس الجامعة لروایات الشیوخ رضی الله عنهم وتآلیفهم ومن ذلک فهرست الشیخ فلان فهرست الشیخ فلان شاید یک چهل تا فهرست ردیف می‌کند که این‌ها که من روایت می‌کنم، فهرست فلان حدثنی بها قرائة منی فی منزله مثلا فهرست شیخ وزیر ابی عبد الله جعفر بن محمد مکی بن ابی طالب القیسی حدثنی بها قرائة منی علیه فی منزله ، فهرست شیخنا القاضی ابوبکر محمد بن عبدالله بن العربی یک چهل پنجاه تا از این فهرست‌هایش شاید هم بیشتر به نظرم از صفحه‌ی 522 تا 537 تعدادش هم معلوم می‌شود آخریش هست فهرست صاحبنا الشیخ ابی بکر عتیق بن عیسی بن احمد بن مؤمن قرطبی روایتی لها عنه ، شماره‌ها چون مسلسل است این آخریش هست 1333 ، اولش 1259 یعنی نزدیک**

**آیت الله مددی : شصت ، چهل تا پنجاه و خورده‌ای ، پنجاه و چهار تا**

**یکی از حضار : بله در این چند صفحه فقط این فهرست‌ها را روایت می‌کند این فصلش ، فصل بعدی‌اش فصل**

**آیت الله مددی : من یک توضیحی را باید می‌گفتیم البته واضح بود حالا باز ما در خلال ببینید چون حدیث در کوفه این چون حدیث اسلامی‌ها در همین مناطق بود دیگر شام و عراق و مدینه و بغداد و کوفه و اینها بود اینها خیلی دنبال فهرست نبودند ، چرا چون خود کتاب‌ها موجود بود لذا خوب دقت کنید شیعه هم تا مادام در کوفه بود خیلی دنبال فهرست نبود لذا گفتیم فهرست به قم منتقل شد فهرست این که شما نگاه کنید عین طریق ما در مرکز اسلامی فهارس منتشر نشد رفت در قرطبه منتشر شد در اندلس منتشر شد دقت کنید .**

**یکی از حضار : این یک مقدار مصطلح است می‌گوید مثلا این طرفی‌ها به آن چیز دیگری می‌گفتند .**

**آیت الله مددی : نه نه می‌گوید من اینکه اگر این فهرست را به همان معنای خودمان ، من این کتاب‌ها را ، بخوانید شما ، من این کتاب‌ها را نقل می‌کنم خوب این فهرست ماست دیگر فرقی نمی‌کند . حالا بخوانید .**

**یکی از حضار : تعبیرش این است که ذکر ما رویته من الفهارس الجامعة لروایات الشیوخ وتآلیفهم فمن ذلک**

**آیت الله مددی : ببینید تآلیف ، روایات باشد با رجال می‌خورد لکن تآلیفهم دیگر نمی‌خورد .**

**یکی از حضار : فهرست شیخ ابی علی حسین بن محمد بن احمد الغسانی ثم الجیانی حدثنی بها**

**آیت الله مددی : جیانی ؟**

**یکی از حضار : جیانی نوشته است .**

**آیت الله مددی : بله**

**یکی از حضار : الشیخ المحدث فلان قرائتا منی علیه عن مولفها ابی علی**

**آیت الله مددی : ببینید مولفها، خوب ایشان خودش چند است ؟ ابن ؟**

**یکی از حضار : 575 وفاتش است .**

**آیت الله مددی : یک استاد قبلش می‌شود 530 یک استاد قبلش ببینید چقدر دیر است . فهرست را ما چه گفتیم در همان قرن اول و دوم نوشتند ، یعنی یک نوشتار را در همان قرن اول و دوم دقت کردید ؟ ایشان با یک واسطه از مولف من مولفه این فهرست آثار کتاب‌هایی که داشته یا روایاتی که از افراد داشته آورده است بقیه را هم بخوانید همین طور من عرض کردم فهرستی که ما داریم یک جور دیگری است سنخ دیگری است چون دیشب به قول آقایان دیشب درسی راجع به قرن اول صحبت نکردیم حالا امشب هم تکمیل بکنیم راجع به قرن اول یک کمی شما می‌خواهید باز هم بخوانید .**

**یکی از حضار : یک مورد بعدی هم دارد و هذا باب جامع یفیدک اتساع الروایة من جهة الاجازة**

**آیت الله مددی : خوب این باب اجازات است .**

**یکی از حضار : می‌گوید تآلیف ابی بکر محمد بن حسین آجری رحمه الله کلها ، حدثنی بها شیخ فقیه ابوالقاسم فلان عن ابی بکر آجری رحمه الله**

**آیت الله مددی : ببینید به یک واسطه ، این مثل فرض کنید مرحوم شیخ طوسی آثار شیخ مفید را بگوید مثل همان است .**

**یکی از حضار : تآلیف اینها را روایت می‌کند .**

**آیت الله مددی : شیخ طوسی آثار مفید از مفید ابو غالب زراری بگوید مثل همین است .**

**یکی از حضار : بکتب متقدم هم دارد**

**یکی از حضار : نه اینکه نداشته باشد واسطه‌ها ،**

**یکی از حضار : مثلا الکتاب سیوبیة هم دارد .**

**آیت الله مددی : الکتاب سیبویة اصلا راوی ندارد .**

**یکی از حضار : همان طریق صفار**

**آیت الله مددی : گفته شده ندارد . محققینشان گفته شده کتاب سیبویه من الوجاده رسیده است اصلا الکتاب سیبویة همان وجاده است این کتاب نشد .**

**یکی از حضار : حالا تالیفات است اعم از حدیث ، می‌گوید تآلیف حالا تآلیف هم اینجا همه‌اش رسم الخط را توالیف نوشته است .**

**آیت الله مددی : الکتاب سیبویة که در حدود 180 است ایشان چیز ندارد اصلا راوی ندارد کسی از او نقل نکرده است .**

**یکی از حضار : می‌گوید تآلیف حافظ ابی نعیم احمد بن عبدالله**

**آیت الله مددی : چهارصد و خورده‌ای است**

**یکی از حضار : شیخ ابو محمد عبدالرحمن بن محمد بن عتاب عن ابی عمرو عثمان بن ابی بکر حمود عن ابی نعیم رحمه الله**

**آیت الله مددی : دو واسطه ، چهارصد و خورده‌ای است ایشان ابو نعیم**

**یکی از حضار : حافظ نیشابوری بعدش تآلیف حاکم ابی عبدالله محمد بن عبدالله حافظ نیسابوری حدثنی بها الشیخ**

**آیت الله مددی : 450 هست یا 60 است چند است حاکم نیشابوری**

**یکی از حضار : حاکم نیشابوری چهارصد و خورده‌ای است .**

**آیت الله مددی : یعنی دقت کردید چه شد ؟ اصلا این به کتب یعنی اجازات شبیه اجازات ماست اسمش را فهرست گذاشته است و لذا ما هم عرض کردیم فهرستی که نجاشی نوشته از اجازات و فهارس گرفته است و لذا هم ما برای همین عرض کردیم این اجازات است من به نظرم همان شب راجع به این کتاب گفتم بیشتر به اجازات است ، فهارس نیست .**

**یکی از حضار : عبارت کتانی را وقتی می‌خواهیم برداریم به اصطلاح اهل سنت چون ایشان فروع و تفاصیلش را گفته آنجا بخوانیم هم فهارس و هم مشایخ مشیخه‌ها را هم برنامه**

**آیت الله مددی : حالا آن برای عبدالحی کتانی را ببینید چون من ندیدم تا حالا این را من چند بار**

**یکی از حضار : مصطلح اهل سنت را دارد**

**آیت الله مددی : اما این چاپ خوبی است بهتر از این است که من دارم .**

**یکی از حضار : این چاپ دارالغرب است بله**

**آیت الله مددی : این از یکی من بهتر است . یکی من افست است . حروف هم به نظرم مثل چیزها می‌آید مثل لایدن می‌آید شما گفتید لایدن نبود اما خیال می‌کنم برای لایدن باشد برای حروف قدیمی است حروف غربی‌هاست مثل حروف غربی‌هاست ، بله . آدم دلش هم می‌خواهد که اینها را بهتر بکند . مثل دل مؤمن صاف است هیچ حاشیه و اینها ندارد ، آدم خیلی رغبت به خواندنش نمی‌کند ، مثل دل منافق تکه تکه دارد .**

**یکی از حضار : هندوانه را آن هنداونه فروش می‌گفت مثل قلب مومن سفید است .**

**آیت الله مددی : گفت بخت من در همه چیز سیاه است الا در هنداونه که سفید است حالا این هم مثل همان . نه آقا ببرید چرا گذاشتید اینجا**

**یکی از حضار : اگر خواستید ملاحظه کنید .**

**آیت الله مددی : نه دیگر من اطلاع دارم چون من ممکن است نگاه نکنم همین طور نزد من متحیرم کتاب‌های شما را پیدا کنم یک کمی گشتم پیدایش نکردم یک کمی برگردانید زودتر اینجا نزد من نماند .**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**عرض شد راجع به قرن اول چون نسبت به امیرالمؤمنین و این قسمت کتاب منسوب به ایشان و کتاب‌هایی که تالیف ایشان است و نزد ائمه بوده عرض کردم چون یک جلسات سابق صحبت شد و آنها الان کمتر محل مراجعه است یعنی آن قسمتی که نزد ائمه است نمی‌توانیم به آن مراجعه کنیم مگر آن نقل‌هایی که شده است آن قسمت‌هایی هم مثل این کتابی که به اسم ایشان سنن و احکام آن هم از آن نسخی هست و حسابی هست و کتابی هست و می‌شود یک مقدارش را الان پیدا کرد اما انتسابش فعلا به امیرالمؤمنین خالی از مشکل نیست . توضیحاتش هم همان جا گذشت .**

**این تقریبا معروف ترین کتاب بوده که در کوفه به امیرالمؤمنین و از کوفه بعد به مدینه رسید از زمان امام باقر و اینها که آقا چنین کتابی هست برای امیرالمؤمنین و عرض کردیم ظاهرش این است که عده‌ای از اهل سنت ، زیدیه ، اسماعیلی‌ها از این کتاب استفاده کردند اگر نسبتی دادند به امیرالمؤمنین و نزد ما نیست یکی‌اش همین کتاب است احتمالا هم امام صادق بعضی جاها دارد که کذبوا علی علی مرادشان این باشد که اینها در این کتاب از امیرالمؤمنین .**

**یک روایتی هست که خیلی هم عجیب است ابو حمزه‌ی ثمالی با آن جلالت شأنش که حضرت سجاد و حضرت باقر را درک کرده زمان امام صادق از کوفه احرام بست ، من عرض کردم در این کتاب خطط کوفه برای آقای لوی ماسونیون ادعا می‌کند که به اصطلاح از یک منطقه‌ی کوفه که من حدودا عرض کردم حدود از مسجد کوفه که در می‌آییم رو به نجف همان اوائل مسجد کوفه رو به نجف از اینجا مسلمان‌ها حالا شیعه نه فقط احرام می‌بستند برای چیز و یک اسمش کناسی است اسم خوبی دارد اگر در اثناء یادم آمد اسمش را**

**یکی از حضار : محله‌ی کنده و اینها ؟**

**آیت الله مددی : نه محله‌ی کنده‌ی الان در آن زمان اسمش کناسه‌ی فلان بود .**

**یکی از حضار : کناسة الکوفة**

**آیت الله مددی : کناسة الکوفة معروف بود در وسط شهر است این نه این تقریبا خارج مسجد می‌رفتند به طرف نجف همین خیابان ، ما الان به آن می‌گوییم خیابان عرعر جاده‌ی عرعر از همین نجفی‌ها هم می‌رفتند ، می‌رفتند به طرف مکه اصلا مکه از این راه بود الان هم شنیدم احیائش کردند اتوبانش کردند و مرتبش کردند و الان هم می‌روند به آن می‌گویند راه عرعر از اینجا می‌رفتند و پیاده هم بعضی‌ها رفتند یعنی اگر بعضی‌ها پیاده به مکه از نجف**

**یکی از حضار : مرحوم کمره‌ای می‌گوید از همان نجف**

**آیت الله مددی : نه می‌گوید با پیاده رفتم کمره‌ای با پیاده ، آقا میرزا باقر می‌گوید با پیاده رفتیم که در راه عرب‌ها اموال ما را گرفتند و آل سعود آمدند و خوب ادبشان کردند تمام اموال ما را برگرداندند .**

**علی ای حال آن پیاده از آن جا می‌رفتند الان شنیدم آن جا را مرتب کردند و شنیدم از زمان بعثی‌ها که این جنگ خبیث برقرار بود شنیدم که خیابان را برقرار کردند ماشین‌های باری که حکام آنها می‌فرستادند ماشین‌های اسلحه به عراق از اینجا می‌فرستادند ، ماشین‌های باری که پر از اسلحه یا حتی پول بود از این راه به عراق می‌فرستادند از این راه بیابان به عراق می‌فرستادند . علی ای الان شنیدم آباد است آن خیابان آن وقت‌ها خوب ضعیف است الان اما شنیدم آباد است و اتوبان است خیلی مرتب است و این بیابان ظاهرا و این خط ظاهرا می‌خورد به همان مسلخ و اینها ، به حساب عقیق وادی عقیق ، میقات اهل عراق اولش مسلخ و غبره و این می‌خورد به میقات اهل عراق این راه این مسیر به نظرم در سعودی وارد می‌شود .**

**من خودم اولین حج بعد از انقلاب سال 1400 که مشرف شدم برای حج از عراق رفتم با هواپیما سال اول ازدواج ما بود با خانواده رفتیم با رفتیم با هواپیما از بغداد و دیگر هواپیما که نمی‌فهمیدیم کجا هست یک دفعه خلبان یک چیزی به عربی گفت که من نفهمیدم حالا عربی ما هم خیلی بد نیست یک چیزی گفت دیگر حالا اصطلاح بود چه بود یک دفعه دیدم عده‌ای از این بخارایی‌ها و از این قندهاری‌ها و از این‌ها بلند شدند ، سنی‌هایی که در هواپیما بودند شروع کردند لبیک اللهم لبیک لباس‌هایشان را در هواپیما درآوردند و همان جا احرام بستند در هواپیما ، پرسیدم گفتند اینها محاذی میقات عقیق هستیم ، خلبان گفت رسیدیم بالای عقیق اینها از همان بالا به عنوان محاذی احرام بستند که رفتند طرف جده .**

**یکی از حضار : اینقدر محاذات صدق می‌کند ؟**

**آیت الله مددی : معلوم نیست بله اینقدر که هواپیما بالاست ، عرف است صدق عرف می‌کند ؟**

**علی ای حال از زمینش خبر ندارم از هوایش دیدم از زمین هنوز از وادی عقیق رد نشدم . حالا به هر حال این هم راجع به این قسمت بعد می‌گوید که من گفتم آقا از کوفه احرام بستم خیلی عجیب است حدیث عجیبی است به هر حال مثل ابو حمزه و حضرت فرمود چرا از کوفه گفت بلغنا عن علی این احتمالا همین کتاب بوده که من تمام الحج والعمرة ان تحرم بهما من دویرة اهلک واتموا الحج والعمرة لله را این جور معنا کردند من تمام الحج والعمرة ان تحرم بهما من دویرة اهلک ، حضرت گفتند کذبوا علی علی چنین مطلبی امیرالمؤمنین نفرمودند من احتمال می‌دهم این هم جزو اینها بوده جزو این چیزهایی بوده که منسوب بوده به امیرالمؤمنین که از راه‌های دور احرام ببندید.**

**یکی از حضار : ابی بصیر است**

**آیت الله مددی : ابو حمزه است بابا**

**یکی از حضار : در فقیه ابی بصیر قال قلت لابی عبدالله علیه السلام**

**آیت الله مددی : نه دخلنا علی ابی عبدالله ونحن جماعة**

**یکی از حضار : اذا نروی بالکوفة ان علیا علیه السلام قال ان من تمام حجک**

**آیت الله مددی : می‌دانم این هم هست آن یکی هم هست دو سه تا روایت است نه یکی ، یکی دیگر هست که جماعة ونحن جماعة منهم ابو حمزة**

**یکی از حضار : دوباره در تهذیب عن قاسم بن حمید عن رباح بن ابی نصر این هم باز دارد قلت لابی عبدالله علیه السلام یروون ان علیا علیه السلام قال ان من تمام حجک احرامک من دویرة اهلک**

**آیت الله مددی : این نه یکی دیگر دارد که با جماعتی بودیم شعث غبر خیلی غبار آلود و صورت‌های ما سیاه شده بود .**

**یکی از حضار : در دعائم هم به عنوان در خود متنش است قال علی علیه السلام ان من تمام حجک احرامک من دویرة اهلک**

**آیت الله مددی : ببینید همان کتاب علی نگفتم اسماعیلی‌ها آوردند . این یک زوایای تاریخ است که پیدا کردنش خیلی مشکل است ،**

**یکی از حضار : سومی هم در معانی الاخبار باز یک راوی سوم است عبدالله بن عطاء است ان الناس یقولون ان علی بن ابی طالب صلوات الله علیه قال ان افضل الاحرام ان تحرم من دویرة اهلک .**

**آیت الله مددی : روشن شد ؟ چطور منتقل شد به دعائم و چطور امام صادق نفی‌اش کردند نه یک روایت دیگر هست که می‌گوید نحن جماعة دخلنا**

**یکی از حضار : ابو جعفر این که الان از ابو جعفر بود**

**آیت الله مددی : عجب ابو عبدالله نیست ؟**

**یکی از حضار : این یکی خیر**

**آیت الله مددی : نه ابی عبدالله است ابو حمزه عن ابی عبد الله به نظرم بخوانید ابو حمزه می‌گوید دخلنا علی ابی عبدالله و نحن جماعة شعث غبر ، حضرت فرمود این چه قیافه‌ای است شما پیدا کردید ،**

**یکی از حضار : از کوفه تا چه رفته بودند این طور**

**آیت الله مددی : اها . از کناسه‌ی عرزم با راء این را لویی ماسونیان نوشته جای دیگر ندیدم . ما که به حساب اهل کوفه ، جایش هم گذاشته نزدیک مسجد کوفه این طرف مسجد کوفه مقابل حی الکندة یعنی راهی که می‌رود به نجف واضح است می‌رود به نجف و از آنجا می‌رود به عرعر و از آنجا می‌رود به طرف مکه . آن جا حی کناسه‌ی عرزم نوشته از اینجا چون آقایان ننوشتند که این‌ها از کوفه کجا احرام بستند .**

**یکی از حضار : آنجا که میثم است .**

**آیت الله مددی : ها یک کم پایین تر از میثم به طرف نجف ، جایی که میثم دفن است . دقت کردید ؟ این هم عرض کردم متاسفانه از کتاب ماسونیان نقل می‌کنیم حالا گفت مثل اینکه یکی از ادله‌ی ما این فیلم امام علی است در فلان مطلب درش هست حالا شبیه فیلم امام علی، بفرمایید آقا آن برای ابو حمزه که جماعة نحن جماعة نه اینکه خیلی عجیب است این نکته چطور منتقل شد به کتاب دعائم الاسلام چون آن کتاب نزد دعائم الاسلام بود .**

**یکی از حضار : باز در کافی یک نقل دیگر هست از امام صادق مهران بن ابی نصر عن اخیه رباح قال قلت لابی عبدالله انا ... بالکوفة ان علیا صلوات الله علیه قال ان من تمام الحج والعمرة ان یحرم الرجل من دویرة اهله**

**آیت الله مددی : ان یحرم بهما من دویرة اهله .**

**یکی از حضار : روایاتش به اندازه مستفیض است**

**آیت الله مددی : بله چند تا هست می‌گویم مشهور شد دیگر مثل ابو حمزه سرش کلاه رفته یعنی خیلی عجیب است ، شخص عادی نیست یعنی نخواندید کل روایت یک روایت دیگر دارد چرا ابو حمزه یادم است بابا فراموش نکردم .**

**یکی از حضار : نحن جماعة**

**آیت الله مددی : در همان باب در وسائل هم دارد فقط در جامع الاحادیث نیست ، در وسائل هم آمده است . اما اینکه ایشان گفت ما تا کتاب نکاح را نوشتیم بعید می‌دانم .**

**یکی از حضار : آن گفت روایات را سوا کردیم همین قدری**

**یکی از حضار : چرا می‌گوید تا دو جلدش تالیف شد**

**آیت الله مددی : چون دو جلد وسائل که سه جلد است**

**یکی از حضار : همین سومش**

**آیت الله مددی : نه الان این چیزهایی که ایشان نوشته این آقا از جلد قبل از نکاح است ، اینهایی که این آقای معزی نوشته است . فنی هم نیست این ها این قبل است . نه**

**یکی از حضار : زمان خود آقای بروجردی یک جلد آماده شد .**

**آیت الله مددی : یک جلد چاپ شد طهارت ، صلاة هم آماده شد قسمتی‌اش چاپ شد بعد توسط آقای شاهرودی به اجازه‌ی آقای شاهرودی قسمت آخرش خلل و نماز جمعه و اینها چاپ نشد ، خلل و نمی‌دانم اینها چاپ نشد .**

**یکی از حضار : بعد هم که آیت الله خوئی**

**آیت الله مددی : آیت الله خوئی اینها را اجازه دادند که شش و هفت شد ، بعد هم دیگر همه یکنواخت درآمد بفرمایید بابا نه آن که یک نفر نیست ابو حمزه جماعتی هستند ، همان باب وسائل را بیاور خوب واضح است ، البته نحوه‌ی استدلال درست هست اجمالا چرا چون احرام خودش اول اعمال حج و عمره است ، احرام ورود در حج نیست . احرام مثلا می‌گویند الحج واجبات الواجب الاول الاحرام . خود احرام جزو اعمال حج است .**

**یکی از حضار : من وسائل را آوردم چاپ آل البیت جلد 11 صفحه‌ی**

**آیت الله مددی : دقت کردید ؟ لذا شما اگر از خود کوفه احرام ببندید این اتموا الحج حج و عمره‌تان تمام است یعنی از اول خروج‌تان در حج هستید تا آخر .**

**یکی از حضار : از اول با احرام شروع کردید .**

**آیت الله مددی : با احرام دقت کردید با اول عمل حج شروع کردید . لذا این مطلب خودش فی نفسه لکن به شبه قواعد فقهی می‌خورد یک فقیهی استنباط کرده به کلام امیرالمؤمنین نمی‌خورد من تمام الحج والعمرة ان تحرم بهما من دویرة اهلک . حج و عمره دارد چون در هر دو احرام خودش واجب اول است نه اینکه با احرام شما آماده بشوید طواف واجب اول است .**

**یکی از حضار : حالا چرا دور چرا مصغر شده دویرة فرمودند دار**

**آیت الله مددی : یعنی همان خانه‌ای که داری می‌آیی همان خانه از جایی که داری درمی‌آیی . دقت کردید ؟ این روی قواعد هم ممکن است درست باشد . روی عنوان اتموا الحج والعمرة لله در یک روایت تاویلی ما داریم من تمام الحج ان تزور الامام تمام حج این است که بیایید مدینه امام را زیارت کنید به حج تنها نیایید ، ما چند جور داریم چند تا معنا برای اتموا الحج والعمرة حالا من نمی‌خواهم واردش بشوم .**

**یکی از حضار : آن را هم درآوردم کمال الحج ان تقف المفایا علی لیلی وتقربه السلاما سعید دارد در مناسکش**

**آیت الله مددی : بله ، غرض اینکه من تمام الحج ان تزور زیارة الامام**

**یکی از حضار : ابی حمزة یک متن دیگر است جسارتا**

**آیت الله مددی : بفرمایید .**

**یکی از حضار : اینکه حالا من از وسائل آوردم شما فرمودید در وسائل یک جمع بندی بخواهد بشود حدیث اولش که هیچ حدیث دومش از ابو بصیر از ابی عبدالله که انا نروی بالکوفة ان علی علیه السلام قال ان من تمام حجک احرامک من دویرة اهلک بعد حدیث شماره‌ی 4 همان که عرض شد ریاح بن ابی نصر که قلت لابی عبدالله انا نروی بالکوفة**

**آیت الله مددی : سکونی**

**یکی از حضار : رباح**

**آیت الله مددی : رباح بن ابی نصر سکونی بله**

**یکی از حضار : انا نروی بالکوفة ان علیا صلوات الله علیه قال ان من تمام الحج والعمرة این هم دومی‌اش است . بعد یکی از میسر است که می‌گوید دخلت**

**آیت الله مددی : نروی ، نروا ، نروّا دیگر سه جور است .**

**یکی از حضار : این را نروی ضبط کردند ظاهرا نروا باشد .**

**آیت الله مددی : این یکی مُیّسر است روایت میسر است .**

**یکی از حضار : اینها را که دیگر دو سه تا شبیه بوده را نیاورده ایشان رسیده به حدیث 7 می‌گوید و باسناده عن موسی بن القاسم از روایات قبل از شیخ طوسی است**

**آیت الله مددی : این برای شیخ طوسی است اسناده برای شیخ طوسی است ، چون که هیچ کدامشان از موسی بن قاسم کتاب الحج موسی نقل نکردند شیخ طوسی منفردا از ، هرجا در کتاب الحج اسم موسی بن قاسم دیدید برای شیخ طوسی است یک روایت واحده است که آن موسی در وسط سند است که می‌گوید من از طرف شما طواف می‌کنم از طرف حضرت زهرا می‌گوید این خیلی خوب است از این اکثر من هذا ، از طرف امیرالمؤمنین از طرف رسول الله این فقط این روایت است این در کافی است بقیه از کتاب موسی بن القاسم کتاب الحج بسیار کتاب معروفی است .**

**اصلا موسی بن القاسم تقریبا مثل حسین بن سعید دوره‌ی کتاب داشته دوره‌ی فقه اما آن که در اختیار شیخ بوده کتاب الحجش است و در اختیار صدوق و مرحوم شیخ طوسی ، شیخ کلینی نبوده است ، یعنی نقل نکردند اگر هم در اختیارشان بوده نقل نکردند . آن وقت ایشان موسی بن قاسم گاه گاهی از کتاب معاویة بن عمار که خیلی معروف است کتاب الحج معاویه نقل می‌کند نقلش با نقل کافی و فقیه فرق می‌کند این خیلی تاثیر دارد .**

**و لذا ما همیشه می‌گوییم یک نسخه‌ی کوفی از کتاب معاویه ، نسخه‌ی قمی از کتاب معاویه ، نسخه‌ی قمی آنی است که در اختیار کلینی و مرحوم صدوق است و از ابن ابی عمیر هم نقل می‌کند ، آن نسخه‌ی کوفی هم نسخه‌ای است که شیخ طوسی منفردا از موسی بن قاسم و خیلی مرد بزرگواری است موسی بن قاسم .**

**یکی از حضار : در ... کدامش را ترجیح می‌دهید ؟**

**آیت الله مددی : نسخه‌ی قمی شاید بهتر باشد بیشتر رویش کار شده است اما به هر حال ما چون کلیت نداریم در تعارض در اختلاف باید شواهد را نگاه کنیم بعد عمل اصحاب شهرت اصحاب ، کدام عمل کردند به متنش کمش زیادش این مقابله‌ی این متون و این‌ها را درآوردن خیلی موثر است این اگر مثلا این موسسه‌ی شما یک دو سه تا متن حالا من بعد مثال می‌زنم بتوانند من باب نمونه این طوری مقابله‌ای در بیاورند خیلی ، حالا بعد مثال می‌زنم الان باشد تا بعد بله این کار بسیار خیلی در حدیث شناسی شیعه تاثیر دارد خیلی تاثیر دارد یعنی یک چیزهایی آدم می‌بیند که قابل باور نبود که این طور اختلاف باشد و کم و زیاد باشد ، حالا ان شاء الله عرض می‌کنم ، بفرمایید آقا .**

**این ها که آماده شد خیلی ماده‌ی خام خوبی است برای بحث‌های بعدی خیلی راحت ، همین کتاب الحج معاویة بن عمار اگر تخریج بشود خیلی آثار دارد فوق العاده آثار دارد .**

**یکی از حضار : حالا اینجا عن حنان بن سدیر**

**آیت الله مددی : عن حنان بن سدیر**

**یکی از حضار : ضبط هم کرده ؟**

**آیت الله مددی : نه حنان است ، بعد می‌خوانند حنّان بن سُدیر غلط است ، حَنان بن سَدیر بفرمایید . اسمش حنان است بفرمایید ضبط کردند دیگران به تخفیف .**

**یکی از حضار : کنت انا و ابی و ابو حمزة ثمالی وعبدالرحیم الاصی وزیاد الاحلام فدخلنا علی ابی جعفر علیه السلام فرای زیاد قد تسلخ جسده**

**آیت الله مددی : من خیال می‌کنم فرای زیاد ابو حمزة ، اصلا پوستش کنده شده بر اثر آفتاب از کوفه ، دوری راه .**

**یکی از حضار : این البته برای من این آن متن نمی‌شود در نهایت اما ابتدایش همین بود .**

**آیت الله مددی : بله امام صادق آمدند مدینه که از راه مسجد شجره بروند .**

**یکی از حضار : فقال له من این احرمت قال من الکوفة قال ولم احرمت من الکوفة فقال بلغنی عن بعضکم انه قال ما بعد من الاحرام فهو اعظم للاجر فقال ما بلغک هذا الا کذاب .**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است مثل ابو حمزه و اینها و عده‌ای باشند و اینها ندانند در زمان امام باقر ایشان راوی از امام سجاد است، معلوم می‌شود این نقل از امیرالمؤمنین کتاب سنن در کوفه خیلی تاثیر داشته ، یعنی این تاثیرش تا قرن چهارم به دعائم رسیده اما من خیال می‌کردم عن ابی عبدالله باشد نقل دیگری عن ابی عبدالله ندارد .**

**یکی از حضار : در وسائل این بود که بعد هم که ابو حمزه از وبز اینجا چاپ شده که باید ربذ باشد محرم شده بعد ثم قال لابی ولعبدالرحیم من این احرمتما فقالا من العقیق فقال اصبتم الرخصة واتبعتم السنة .**

**آیت الله مددی : ها چون عراق باید از عقیق .**

**یکی از حضار : چون میقات عراق است .**

**آیت الله مددی : میقات است بله . می‌گوید من از آن جا کوفه می‌گوید تو اشتباه کردی می‌گوید درست این است . یک جای دیگر هم دارد ابو حمزه اسمش هست حالا من دیگر طول زمان خیلی فاصله افتاده است .**

**یکی از حضار : آن حج چند نفر چهار نفر از عبدالله بن عطا و چهار نفر از**

**آیت الله مددی : عن علی نقل کردند .**

**یکی از حضار : و از امام باقر پرسیده بودند .**

**آیت الله مددی : امام باقر هم تایید کردند ؟**

**یکی از حضار : همان دیگر در هر چهار روایت تکذیب شده بود . اما کذبوا علی علی نداشتند**

**آیت الله مددی : چرا این برای امام صادق به نظرم .**

**یکی از حضار : کذبوا علی علی در متن‌های دیگر احادیثی که از امیرالمؤمنین نقل شده کذبوا علی علی**

**آیت الله مددی : من می‌گویم کذبوا را دیدم کذبوا علی علی دروغ گفتند . تصریح به دروغ دارد .**

**یکی از حضار : یک کذاب اینجا دارد .**

**آیت الله مددی : بله کذبوا علی علی .**

**علی ای حال چون عرض کردم دیگر حالا این مطلب احتیاج به یک شرح خاص خودش دارد که دیگر از محل بحث ما خارج است .**

**یکی از حضار : یک نقل کلی هم بود که هر جا احرام بیشتر باشد اعظم**

**آیت الله مددی : این هم درست نیست بله . این بحث اصولا من در بحث احرام متعرضش شدم .**

**یکی از حضار : حضرت جواب می‌دهند می‌گوید و یا بابان کلاهما حلال الا اخذتم بالیسیر .**

**آیت الله مددی : این جواب‌های امام به اصطلاح این ها مشکل سر چه شد ؟ مشکل سر این شد که در زمان عثمان پسر عموی ایشان نذر کرد که اگر خراسان را بگیرد از خراسان احرام ببندد برای عمره و ایشان خراسان را فتح کرد احرام بست شش ماه در راه بود تا رسید مدینه عثمان گفت این چه سر و صدایی راه انداختی گفت برای وفای به نذر گفت بیخود چنین نذری کردی احرام باید از مواقیت رسول الله باشد، چه کسی به تو گفت از نیشابور احرام ببنددی از خراسان احرام ببنددی ؟ این از زمان عثمان این بحث شروع شد دقت فرمودید عثمان می‌گفت شما باید از میقات آن گفت نه من از خارج میقات این از زمان عثمان شروع شد بعد دیگر مخصوصا بعد درآوردند که عمر از بیت المقدس احرام بست .**

**ما اصلا یک روایت داریم شما بابش را هم بیاورید یک روایت داریم از ابی بصیر که رجل جعل لله علی نذر مثلا ان انعم علی ان یحرم من خراسان اصلا عین این بحث آمده است . احرام از خراسان**

**یکی از حضار : در وسائل باب جواز احرام قبل المیقات ببخشید عدم جواز الاحرام قبل المیقات لغیر الناذر بود که باب یازده بود**

**آیت الله مددی : روایت آخر**

**یکی از حضار : بعد باب سیزده می‌شود باب جواز الاحرام قبل المیقات لمن نذر ذلک .**

**آیت الله مددی : آخرش در این باب آخرین روایتش را بخوان ، آخرین حدیثش .**

**یکی از حضار : گفته و ان کان الاحرام بالحج وجب کونه فی اشهر الحج چون قبل از وقتش یک باب جدا داشت ، عدم جواز الاحرام قبل ال**

**آیت الله مددی : آن که یک بحث دیگری است نه . قبل اشهر حج ، حدیث آخرش هفت و هشت .**

**یکی از حضار: حدیث آخرش و باسناده عن محمد بن الحسن الصفار**

**آیت الله مددی : اسناده این باب منفردات شیخ طوسی است این باب اصلا غیر از شیخ طوسی نیاوردند احرام قبل از میقات به نذر را فقط شیخ طوسی آوردند منفردا ایشان نه کلینی آورده و نه صدوق وباسناده عن الصفار این هم از شیخ طوسی بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن محمد بن الحسین**

**آیت الله مددی : ابن ابی الخطاب**

**یکی از حضار : عن احمد بن محمد بن ابی نصر عن عبدالکریم عن سماعة عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام**

**آیت الله مددی : عبدالکریم که واقفی است اما سماعة معلوم نیست واقفی باشد عن ابی بصیر احتمالا این فقه واقفیه بوده شیخ طوسی اشتباه کرده آورده است و ائمه‌ی متاخره‌ی ما آن را نفی‌اش کردند علما هم گفتند سند معتبر قبول بکنیم ، فتوا دادند عرض کردیم که این فتوا حجت نیست احرام قبل از میقات مطلقا با نذر هم جایز نیست مگر لمرید العمرة فی رجب که آنجا باید سندش را دید بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن ابی عبدالله علیه السلام قال سمعت**

**آیت الله مددی : ببینید لو ان رجلا**

**یکی از حضار : لو ان عبدا انعم الله علیه نعمة او ابتلاه**

**آیت الله مددی : او ابتلی ببلیة او ابتلاه الله ببلیة بله**

**یکی از حضار : فعافاه من تلک البلیة فجعل علی نفسه ان یحرم بخراسان**

**آیت الله مددی : ببینید ، حالا یک دفعه خراسان را برای چه آوردی اینجا ؟ حالا این قصه‌ی کیست آن عبدالله بن کریز پسر عموی عثمان است . آن وقت این بین اهل سنت یک دفعه بحث شد سر و صدا شد عده‌ای گفتند حق با عثمان است احرام از مواقیت باشد عده‌ای هم گفتند نه حق با آن عبدالله است غیر از میقات هم می‌شود بلکه افضل هم هست آن وقت دیدیم مرحوم صاحب دعائم هم اختیار کرد میقات بعید از آن خنده‌دار تر آقای امینی در جلد 7 الغدیر این بحث را آورده است .**

**یکی از حضار : همین بحث میقات و عثمان و اینها را**

**آیت الله مددی : عثمان را آورده رد بر عثمان کرده گفته میقات هر چه دورتر آدم احرام ببندد ، خلاف فتوای شیعه**

**یکی از حضار : هر چه دورتر افضل**

**آیت الله مددی : افضل گفته چرا عثمان گفته از میقات هر چه دورتر برویم کل ما بعد افضل باشد این خیلی عجیب است ، یعنی متاسفانه این مساله یک بعد کلامی پیدا کرد یک نوع طعن بر ، معلوم شد چه می‌خواهم بگویم ؟ و مرحوم آقای امینی خدا رحمتشان کند متوجه نشدند که این مطلب ایشان خلاف فتوای شیعه است اصلا ، در خصوص نذر گفتند در غیر نذر نگفتند بعید اما ایشان توجه نکردند خواستند رد بر عثمان اصلا این مطلب ، خوب بابا رد بر عثمان هم ، معلوم شد ؟**

**آن وقت این روایاتی که از امام باقر و صادق است تایید همان راه عثمان است که حق با او بوده احرام باید از مواقیت باشد نذر هم باید درست باشد مشروع باشد این نذر باطل است بیخود ایشان نذر کرده از خراسان احراما ببندد ، شیخ طوسی هم قدس الله نفسه روی قاعده‌ی کلی تخصیص چون عده‌ای از روایات داریم که احرام قبل از میقات جایز نیست این گفته نه گفته خوب تخصیص می‌زنیم مشکل ندارد .**

**اصحاب ما هم تخصیص ، متاخرین اصحاب ما یک دفعه افتادند که خوب آخر چطور می‌شود اگر نذر باید مشروع باشد بعد آمدند گفتند نه معلوم می‌شود ملاک داشته اما به حد مشروعیت نرسیده با نذر آن ملاک زنده شد این شد قضیه حل شد ، شروع کردند از این حرف‌های بافتنی این جوری دقت کردید ؟ نه توجهی بکنند روایت چه بوده مصدر چه بوده کلام چه بوده ابن حزم تصادفا خیلی عجیب است با عثمان موافق است با ما هم موافق است می‌گوید احرام قبل از میقات جایز نیست مطلقا ولو با نذر .**

**یکی از حضار : ولو ترجیح شرعی داشته باشد ؟**

**یکی از حضار : ترجیح که ندارد ولو لم یمر علی المیقات اگر کسی ورود در میقات هم نمی‌کند آن هم شاملش می‌شود ؟**

**آیت الله مددی : فرقی نمی‌کند .**

**یکی از حضار : دعا کند اگر من خوب شدم از مریضی خوب شدم**

**آیت الله مددی : از قم احرام می‌بندم ، نمی‌شود باطل است . همان است که رسول الله قرار داده است .**

**یکی از حضار : قاعده‌ی اولی همان است .**

**آیت الله مددی : بعد از میقات که با نذر هم نمی‌شود ، حالا بگوید من مریضم تا میقات مریضم سرما خوردم بعد از اینکه از میقات رد شدیم احرام ببندیم خوب نمی‌شود که ما قبلش هم نمی‌شود فرق نمی‌کند نذر می‌کند بعد از احرام میقات ببندد خوب باطل است دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : پس شیخ بدون توجه به اینکه این روایات از واقفه است و این دو بزرگوار نیاوردند بدون توجه به قاعده آورده و بعد هم عمل شده است**

**آیت الله مددی : چرا چون قاعده‌ی شیخ روی قاعده است . چرا چون به شیخ اعتماد کرده است چون یک روایتش از کتاب حسین بن سعید است یکی از کتاب محمد بن حسن صفار است اینها کتاب‌های معروفند شما می‌گویید شیخ مفید هم که گفته لا یجوز الاحرام قبل المیقات مطلقا اصلا نه فتوا این فتوا در قبل از شیخ طوسی مطرح شده نه در روایاتش آمده در قرن چهارم که قرن روایات است هیچ کدام نه کلینی ، این روایت از قرن سوم آمده یعنی صفار و جناب حسین بن سعید قرن سوم . شیخ طوسی هم دیده روایت هست اصحاب هم اینها مشهورند تخصیص هم علی القاعده است دیگر این اصحاب متاخر ما آنهایی هم که این حرف‌های بافتنی‌ها را گفتند ، گفتند ما به تخصیص قائلیم نذر باید مشروع باشد اینجا تخصیص خورده اشکال ندارد ، ولو مشروع نیست روایت خاص دلیل خاص هم آمده عده‌ای از این معاصرین ما می‌گویند دلیل خاص آمده قبول می‌کنیم ، دیگر ملاک داشته ملاکش فلان بوده مزاحم داشته مزاحمش ، خیلی از این بافتنی‌ها بافتند این بافتنی‌ها را دیگر نمی‌خواهد نذر باید مشروع باشد اینجا هم مشروع نیست تخصیص خورده به خاطر این روایت دیگر توجه نکردند که این روایات از کتاب به اصطلاح شیخ است منفردا و این تخصیص چون آقا بفرمایید یک زمینه‌ای بین فقها عرض کردیم ایشان اگر توضیح دادیم تخصیص را اولین بار به عنوان تخصیص را در کلمات شافعی در رساله داریم از قرن سوم اوائل قرن سوم .**

**یکی از حضار : تعبیر هست ؟**

**آیت الله مددی : بله تخصیص عام را تخصیص می‌زنند . مثلا می‌گوید خذ من اموالهم صدقة این عام است پیغمبر از 9 چیز گرفت پس تخصیص می‌زنیم به 9 چیز عین این هم بعدها علمای شیعه توسط شیخ طوسی آمد قمی‌ها چون دنبال این حرف‌ها نبودند ، لذا مکتب بغداد همیشه عرض کردم در فرهنگ شیعی ما تاثیر گذار است .**

**مکتب قم در فرهنگ حدیثی ما خیلی تاثیر گذار است فرهنگ فقهی ما به بغداد برمی‌گردد مخصوصا شیخ طوسی ، شیخ طوسی قبول کرد آقایان بعد از ایشان هم قبول کردند عرض کردم شاید یکی دو تا از معاصرین شاید حالا شاید دیدم که اینها اشکال می‌کنند روایت را قبول نمی‌کنند اما روی این جهت که این مشروع نیست نمی‌شود با غیر مشروع این تحلیلی که به شما عرض کردم ندارد می‌گویم اعجب از همه هم جناب مرحوم امینی در جلد 7 الغدیر می‌خواهید بیاورید مفصل بحث کرده گفته عثمان بیخود گفته هر چه احرام از دور باشد مثلا عبادت است فضلش بیشتر است افضل اعمال است احمزها و از این حرف‌ها چه اشکال دارد دورتر باشد بهتر ایشان زاویه‌ی کلامی دیده دقت کردید ؟ هدفش این بود عثمان آن وقت اطلاع نداشت که فتوای شیعه هم همین است .**

**یکی از حضار : خواسته مصالب عثمان زیاد بشود**

**آیت الله مددی : آها خواسته مصالب عثمان ، دقت فرمودید ؟ این هم غرض یعنی من که می‌گویم مرادم اشکال این لحن من لحن انتقاد نیست لحن من لحن این است که باید حواسمان جمع باشد کاملا ، در ریشه یابی در به حساب پیدا کردن.**

**حالا من چون صحبت کردیم که در قرن اول راجع به این صحبت نمی‌کنیم ، قرن اول ما مصادر داریم نه اینکه نداریم خود این نهج البلاغه را داریم همین کتاب داریم عرض کنم به اینکه فرض کن مثلا در قرن اول صحیفه‌ی سجادیه داریم در قرن اول رسالة الحقوق حضرت سجاد داریم ، یک حدیث بسیار مفصلی است که صدوق آورده که صوم علی اربعین وجها به نظرم کلینی ندارد این صوم علی اربعین وجها را از زهری نقل می‌کنند علی بن الحسین به نظرم صدوق آورده نمی‌دانم کلینی هم آورده یا نه این حدیث صوم علی اربعین وجها که صوم چهل جور است که واجب است و حرام است و برداشته این طوری ، چهل نحو از انحاء صوم آورده به نظرم صدوق آورده است این را پیدا کنید حدیث علی اربعین وجها الان چون خیلی وقت است که ندیدم سی سال بیشتر است .**

**یکی از حضار : کافی هم هست عنوان بابش این است ، علی بن ابراهیم عن ابیه عن قاسم بن محمد جوهری عن سلیمان بن داوود**

**آیت الله مددی : عن قاسم بن محمد جوهری ؟**

**یکی از حضار : بله**

**آیت الله مددی : نباید قاسم بن محمد جوهری باشد چون قاسم بن محمد اهل بغداد است این سلیمان بن داوود شاذخونی است در اصفهان آمده است ، این باید چیز باشد عن علی بن محمد قاسانی باشد چون ایشان رفته اصفهان احادیث شاذکونی را آورده به قم قاسم بن محمد جوهری بغدادی است ، شاید ایامی که شاذکونی در بصره بوده رفته از او گرفته والا قاسم بن محمد بغدادی است و توثیق خاصی هم ندارد ابن ابی عمیر از او نقل می‌کند توثیقات عامه درستش کردند ، حسین بن سعید از ایشان زیاد نقل می‌کنند ، حسین بن سعید عن قاسم عن ابن ابی عمیر نه عن فلان که الان یادم رفته است . ابن ابی عمیر هم از ایشان نقل می‌کند بفرمایید بابا ، آن وقت سلیمان بن داوود شاذکونی بین اهل سنت مشهور و معروف شد چون تضعیفش کردند .**

**یکی از حضار : آن که در ذهنتان هست از فقیه چون این جوری است باب وجوه الصوم روی عن الزهری انه قال لی علی بن الحسین اینطوری است خیلی مستقیم است اما در کافی این طوری سند دارد که دارم سندش را می‌خوانم حالا چاپی که من دارم و حدیث را آوردم ایشان در این تعلیقه‌ای که چاپ شده می‌گوید تقدم سابقا ان قاسم بن محمد الراوی عن سلیمان بن داوود وهو من قریب هو القاسم بن محمد الاصفهانی**

**آیت الله مددی : ها گفتم**

**یکی از حضار : فعلیه الظاهر زیادة قید الجوهری فی السند**

**آیت الله مددی : هر چند نمی‌خورد به جوهری ، جوهری بغدادی است یک قاسم بن محمد اصفهانی است یکی هم علی بن محمد قاسانی، اینها به اصفهان آمدند از قم کتاب ، چون سلیمان بن داوود آخر عمر به اصفهان آمد کتاب آثار سلیمان بن داوود منقری را به شاذکونی آوردند به قم .**

**یکی از حضار : بعد یکی داشت ارجاع می‌داد به خصال در خصال سند این جوری است حدثنا ابی رضی الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن القاسم بن محمد الاصفهانی عن سلیمان بن داوود منقری**

**آیت الله مددی : ها این درست است عرض کردم به شما نمی‌خورد گفت شنونده باید عاقل باشد ما گاهی اوقات یک کمی عجب بنده را می‌گیرد که به مجرد اینکه سند را می‌خوانند حس می‌کنم که این**

**یکی از حضار : باز در تهذیب هم دوباره همین آمده است قاسم بن محمد جوهری البته ایشان از کافی نقل کرده است .**

**آیت الله مددی : بله واضح است از کافی نقل کرده**

**یکی از حضار : اما چون در نسخه‌ی کافی این بوده**

**آیت الله مددی : نسخه‌ی کافی این بوده نسخه‌ی خود کافی این بوده ، این جوهری غلط است باید اصفهانی باشد یا علی بن محمد قاسانی آن هم می‌آید از داوود ، قاسم بن محمد جوهری بغدادی است لذا عرض کردم چون شاذکونی برای بصره است اصلا خود سلیمان بن داوود شاذکونی برای بصره است بعد آمد استقر فی اصفهان لذا علمای قم توسط این آقا قاسم بن محمد اصفهانی الملقب بکاسولا به نظرم تضعیف هم دارد اصلا القاسم بن محمد الاصفهانی الملقب بکاسولا به ذهنم می‌آید .**

**یکی از حضار : این عمده‌ی روایاتش همین برای سلیمان بن داوود منقری قاسم بن محمد است تقریبا بالای هشتاد درصد**

**آیت الله مددی : بله عرض کردم**

**یکی از حضار : کمتر از ده درصد حسن بن محمد بن سماعة است بعد**

**آیت الله مددی : نه حسن نباید باشد .**

**یکی از حضار : بعد هم علی بن محمد قاسانی**

**آیت الله مددی : همین علی بن محمد قاسانی آن هم هست عرض کردم این ها راویان معروفی هستند که حالا ابن سماعة را نمی‌دانم الان در ذهنم حضور ندارم**

**یکی از حضار : این علی بن محمد قاسانی عمده‌ی روایات قاسم بن محمد علی بن محمد قاسانی نقل کرده است .**

**آیت الله مددی : این هم نقل می‌کند از آن**

**یکی از حضار : یعنی علی بن محمد عن قاسم بن محمد عن سلیمان این معروفترین طریقه‌ی روایات سلیمان بن داوود است .**

**آیت الله مددی : عرض کردم آن قاسانی هم عرض کردم کاشانی نیست ،**

**یکی از حضار : قاسان افغانستان**

**آیت الله مددی : افغانستان نیست ماوراء النهر است خوارزم و آن جا ها جایی است به نام قاسان است اسمش قاسان است این برای آنجاست . حالا خود قاسم بن محمد اصفهانی را بیاورید الملقب بکاسولا به نظرم تضعیف هم دارد اصلا ضعیف هم هست ، بله آقا ؟**

**یکی از حضار : بله تصریح شده به تضعیفش الان می‌آورم .**

**آیت الله مددی : بله تصریح شده ، علی ای خود سلیمان بن داوود منقری به نظرم در اهل سنت یکی یا دو تا توثیقش کردند معظم گفتند نه اگر اتفاقی نباشد معظم گفتند نه اما خیلی راوی حدیث است خیلی حدیث دارد سلیمان بن داوود منقری بصری حدیث زیاد دارد بیاورید.**

**یکی از حضار : در ابن الغضائری دارد حدیثه یعرف تارة و ینکر اخری و یجوز ان یخرج شاهدا**

**آیت الله مددی : نه حالا ابن غضائری تند است رهایش کنید با او نمی‌شود زندگی کرد .**

**یکی از حضار : کاسولا**

**آیت الله مددی : المقلب بکاسولا ، نه ببینید نجاشی و شیخ و اینها چه دارند ؟**

**یکی از حضار : شیخ در فهرست که فقط در مورد همان کتابش گفتند که معروف بکاسولا**

**آیت الله مددی : چیزی راجع به او نگفتند**

**یکی از حضار : خیر در مورد نجاشی هم همین قاسم بن محمد جوهری را داریم ما**

**آیت الله مددی : نه آن جوهری که بغدادی است .**

**یکی از حضار : عرض کردم قاسم بن محمد دیگری ظاهرا ندارد .**

**آیت الله مددی : نه به نظرم دیدم نجاشی هم دارد .**

**یکی از حضار : چون دارم قاسم‌ها را نگاه می‌کنم این سه تا قاسم بن محمد دارد که اها چرا قاسم بن محمد القمی یعرف بکاسولا این قمی به او گفتند قم و اصفهان هم نزدیک است لم یکن بالمرضی له کتاب اینجا له کتاب نوادر یا کتابٌ نوادر**

**آیت الله مددی : گفتیم دو جور خوانده می‌شود دیگر به حساب کتابٌ نوادرُ ، کتابُ نوادرَ دو جور خوانده می‌شود .**

**یکی از حضار : فقط همین لم یکن بالمرضی دارد**

**آیت الله مددی : لم یکن بالمرضی عرض کردم خیلی قابل قبول نیست .**

**یکی از حضار : ابن غضائری یجوز ان یخرج شاهدا**

**آیت الله مددی : بله آن وقت ، بله برای تایید خوب است اما تایید اثبات ، برای حسن یا صحت نه**

**یکی از حضار : اهل سنت اکثرا تضعیفش کردند .**

**آیت الله مددی : قاسم بن محمد را ؟ نه سلیمان بن داوود است . بله آن چون از شیعه است در قم بوده این با آنها ارتباطی ندارد اهل سنت این سلیمان بن داوود را هم بیاورید نمی‌خواستیم امشب وارد این بحث بشویم ، بحث‌های خوبی در نظر داشتیم دارد از بین می‌رود ، مگر باز فردا شب**

**یکی از حضار : باشد فردا شب چون امشب خیلی**

**آیت الله مددی : بله طول کشید . جامع المعقول و ... آورده بودیم بفرمایید آقا ، نه میزان الاعتدال را بیاورید یا لسان المیزان یا تهذیب الکمال را بیاورید تهذیب الکمال شاید در صحاح الست الان یادم نمی‌آید اسمش باشد مگر در ابن ماجه و اینها الان در ذهنم نمی‌آید در میزان الاعتدال چرا این رمزی هم از صحاح ست زده یا نزده است ؟ معروف است خیلی هم نوشتند حسن الهیئة خیلی آدم خوش قیافه و مثل همان ابوالمفضل که خواندید خیلی هیکل علمایی و**

**یکی از حضار : حالا به شماره‌ی چیز عرض می‌کنم 3451 شماره‌ی مدخل ، سلیمان بن داوود المنقری الشاذکونی البصری الحافظ ابو ایوب**

**آیت الله مددی : حافظ هم بوده به اصطلاح 100 هزار بیشتر حدیث حفظ بوده است . اصولا سلیمان‌ها ابو ایوب است کنیه‌شان اصولا اصطلاح عمومی‌شان ، مثلا حسن ابو محمد ، حسین ابو عبدالله ، علی ابو حسین ، محمد ابو جعفر این طوری بفرمایید**

**یکی از حضار : ... حماد بن زید و جعفر بن سلیمان فمن بعدهما**

**آیت الله مددی : و من بعدهما**

**یکی از حضار : اینجا دارد فمن بعدهما قال البخاری فیه نظرٌ**

**آیت الله مددی : عرض کردم بخاری خیلی مودب است همین که می‌گوید فیه نظر خودش خیلی تضعیف است معروف است که خیلی مارعات تادیب را می‌کند وضاع و کذاب و اینها را نمی‌گوید اصلا نمی‌گوید . خود من هم مسلکم این طور است می‌گویم قابل قبول نیست فلان مرادم الفاظ تند و کذاب و وضاع را به کار نمی‌برم بله آقا ؟**

**یکی از حضار : وکذبه ابن معین فی حدیث ذکره یا ذکر له عنه**

**آیت الله مددی : دیگر می‌گویم ابن معین می‌گوید کذاب و وضاع اما ایشان**

**یکی از حضار : قال عبدان الاهوازی معاذ الله ان یتهم انما کانت کتبه قد ذهبت کان یحدث من حفظه**

**آیت الله مددی : می‌گوید مشکلی اهل سنت داشتند به خلاف ما که کتب خیلی ارزش داشت نقل کتب اینها خیلی روی ارزش کتب نبودند اعتمادشان بیشتر روی حفظ بود حفظ می‌کردند می‌گفتند می‌گفت این اشکالش این است کتاب‌هایش درست بوده وقتی سند می‌گفته سند این را آن می‌چسبانده آن را به این ، متن را کم می‌کرده زیاد می‌کرده دروغ نمی‌گفته وقتی می‌خواسته از حفظ صحبت کنه این طور صحبت می‌کرده منشائش این بوده است .**

**یکی از حضار : قال ابن عدی کان ابو یعلی والحسن بن سفیان اذا حدثا عنه یقولان حدثنا سلیمان ابو ایوب لم یزیدا در نسخه بدل اضافه دارد فیدلسانه ویسترانه**

**آیت الله مددی : معلوم شد مرادش چیست ؟ نمی‌گفتند مثلا سلیمان بن داوود الشاذکونی تا شناخته بشود ، می‌گفتند سلیمان ابو ایوب می‌گویند حسن بصری در ایام حجاج وقتی که شدت بود نسبت به شیعه وقتی می‌خواست بگوید سمعت حدثنا علی می‌گفت حدثنا ابو زینب ، ابو زینب می‌گفت که شناخته نشود تدلیس به این معنا یعنی سلیمان ابو ایوب نمی‌گفتند سلیمان بن داوود شاذکونی ابو ایوب چون شناخته می‌شود چون اگر شناخته می‌شد قبول نمی‌کردند بله بفرمایید این معلوم می‌شود که عامه هم زیر بارش نمی‌رفتند مشکل داشت بفرمایید.**

**یکی از حضار : قال ابو حاتم متروک الحدیث**

**آیت الله مددی : اولش که اسم سلیمان در یک پرانتز نیاورده بود مثلا عین قاف سین این رمز**

**یکی از حضار : خیر نیاورده اصلا رمزی نبود**

**آیت الله مددی : اگر نیاورده صحاح ست نقل نکردند ، چون رمزش صحاح ست است .**

**یکی از حضار : وقتی می‌گوید قال النسائی لیس ثقة دیگر**

**آیت الله مددی : می‌دانم نه ، حالا گاه گاهی چیز می‌شود گاهی اختلاف نظر می‌شود معلوم می‌شود که صحاح ست کلا ندارند .**

**یکی از حضار : برای بخاری بود بله اینجا هم نسائی می‌گوید لیس بثقة**

**آیت الله مددی : نه اشکال ندارد می‌گوید بخاری اما ممکن است ابن ماجة نقل بکند یا گاهی یک کسی هست که همه می‌گویند کذاب باز ابن ماجة نقل بکند دارند از این مشکلات دارند بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال ابن المدینی قال سلیمان شاذکونی هاتوا حرفا من حرف الحسن البصری لا احفظه وقال حنبل سمیت اباعبدالله یقول یعنی حنبل بن احمد دیگر ، کان اعلمنا بالرجال یحیی بن معین واحفظنا للابواب الشاذکونی وقال ابن المدینی احفظنا للطوال**

**آیت الله مددی : احادیث طولانی . علی بن مدینی ابن المدینی مرادشان علی بن المدینی است خیلی مرد بزرگواری است در حدیث خیلی در رتبه‌ی احمد بن حنبل یا باید بگوییم للطوال اصلا برای احادیث طولانی هم حفظ می‌کرده است در قصه‌ی احمد بن حنبل مخالف می‌شود احمد قائل می‌شود به اینکه قرآن قدیم این می‌گوید حادث است لذا یک مقداری بین محدثین عنوانش می‌آید پایین و الا به لحاظ حدیث و این قسمت‌ها خیلی فوق العاده است اسمش را کمتر می‌برند به خاطر همین جهت ، به جهت مخالفت با احمد در قصه‌ی فتنه‌ی به قول خودشان خلق قرآن بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : حنبل ظاهرا پسر احمد وقال صالح بن محمد**

**آیت الله مددی : ابا عبدالله اصلا در مغنیه وقال ابا عبدالله خودش احمد بن حنبل امامشان است دیگر .**

**یکی از حضار : وقال صالح بن حافظ**

**آیت الله مددی : یک وقتی به یک آقایی که به قول خودش مقید به زیارت عاشوراء بود گفتم مکه بودم داشتم این الجزیره را گوش می‌کردم یکی از این جماعت به اصطلاح همین برای جماعت آن چه کسی بود برای سعودی بعد او را کشتند چه کسی است**

**یکی از حضار : بن لادن**

**آیت الله مددی : بن لادن ، او تعبیر می‌کرد که ابا عبدالله این طور و این طور است او به من می‌گفت من دیگر زیارت عاشوراء سخت است بخوانم ، این ابا عبدالله بن لادن است کنیه‌اش ابا عبدالله است گفت بخواهم بگویم یا ابا عبدالله حالم به هم می‌خورد که کنیه‌ی بن لادن است بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : اینجا صالح بن محمد حافظ گفته ما رایت احفظ من الشاذکونی وکان یکذب بالحدیث**

**آیت الله مددی : خیلی مقام بالایی داشته بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید که نزد چه کسانی رفته و بعد می‌گوید وقیل کان یتعاطی المسکر ویتماجن**

**آیت الله مددی : این هم اضافه‌ی بر آن ، یتعاطی هم شراب می‌خورد هم خل بازی رقص و سماع ، مجون در لغت عرب این حرف‌های مسخره و بخواند و آواز بخواند و شعر بخواند و برقصد و خیلی مناقب زیادی دارد انصافا آنچه خوبان همه دارند و یتماجن .**

**یکی از حضار : بعد می‌گوید که آخر عمرش که گفته اللهم من اعتزل الیک فانی لا اعتزل انی ما قذفت محصنة ولا دلست حدیثا**

**آیت الله مددی : من زنی را ، زن محترمه‌ای را قذف نکردم و تدلیس حدیث هم نکردم همه را گفتم اگر دیگران می‌گویند خدایا عذر می‌خواهم من نمی‌گویم خدایا عذر می‌خواهم خیلی کله شق هم بوده اصلا معلوم است با خدا هم دعوا داشته است شاید جزو مجونش بوده شراب خورده پرت و پلا گفته است .**

**یکی از حضار : وثاقله ابن عدی احادیثه خولف فیها ثم قال للشاذکونی حدیث کثیر مستقیم و هو من الحفاظ المعدودین ما اشبه امره بما قال عبدان یحدث حفظا فیغلط وقلت وباقی**

**آیت الله مددی : یغلب ؟**

**یکی از حضار : یغلط ، باقی افعاله ذکرتها فی کتاب تاریخی الکبیر بعد می‌گوید که ویک حدیث اربع مائة هم از او می‌آورد که من کسح مسجدا او رشحه کان کانه حج اربع مائة حجة وغزی اربع مائة غزوة او صام مع اربع مائة یوم واعتق اربع مائة نسمة بعدش می‌گوید هذا حدیث منکر جدا**

**آیت الله مددی : واضح است ، بل موضوع قطعا .**

**یکی از حضار : این در نسخه بدل است ، حدیث بر این اشکال ، بعد مات سنة اربع وثلاثین ومائة**

**آیت الله مددی : صد و هشتاد و چهار ؟ ها**

**یکی از حضار : دویست و سی و چهار جسارتا ، اربع و ثلاثین و مائة**

**آیت الله مددی : اها ، این اصفهان آمده این رفته من فکر می‌کنم علمای قم بعضی از احادیث ایشان چون سنی بوده احتجاجا آوردند گفتند حالا سنی نقل بکند از این جهت و الا بعید است علمای قم این طور حالا عجیب است دو تا عالم بزرگ قم مرحوم کلینی مرحوم صدوق این حدیث اربعین وجه را آوردند از همین ایشان است و راه دیگری هم ندارد که صوم از امام سجاد اربعین وجها حالا می‌خواستم به این جهت حالا بگویید دیگر امشب**

**یکی از حضار : درباره‌اش یک نکته‌ای می‌گوید ابو ایوب الشاذکونی بصری لیس بالمتحقق بنا**

**آیت الله مددی : قطعا نیست**

**یکی از حضار : من غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد و کان ثقة له کتاب**

**آیت الله مددی : ایشان توثیق کرده این یکی از مشکلات ما با اهل سنت هست ها ، یکی از مشکلات ما یعنی ثقة ما احتمال می‌دهیم مثلا این فهرستی باشد یعنی مجموعه‌ی روایتی که اصحاب ما از او نقل کردند خوب است قابل قبول است دقت کردید .**

**یکی از حضار : این نجاشی ، اما ابن الغضائری حقش را ادا کرده است : می‌گوید که ضعیف جدا لا یلتفت الیه یوضع کثیرا ، لعله یضع کثیرا علی المهمات بعد می‌گوید در نسخه‌ی بدل که یک روات هم دارد یضع کثیرا علی الروات .**

**آیت الله مددی : مبهمات غالبا می‌آوردند مهمات نشنیدم .**

**یکی از حضار : خود محقق هم گفته که اینجا عبارت واضح نیست .**

**آیت الله مددی : واضح نیست ما مبهمات داریم یروی المبهمات اما اینکه کثیرا**

**یکی از حضار : اما احتمالا این در چیز هم در خلاصه‌ی علامه هم این جوری چاپ شده وقال ابن الغضائری انه ضعیف جدا لا یلتفت الیه باز دوباره این شکلی است یوضع کثیرا علی المهمات .**

**آیت الله مددی : در قسم لغوم آورده دیگر چون یا نه قسم اول بعید است قسم اول آورده باشد . در بخش دوم آورده است .**

**علی ای حال ، توثیق کرده ایشان خوب معارض می‌داند ایشان کلام ابن غضائری را قبول می‌کند معارض می‌داند با توثیق نجاشی معارض می‌داند آقای خوئی احتمالا قبول دارند چون آقای خوئی توثیقات نجاشی را قبول می‌کنند . سلیمان بن داوود را از کتاب آقای خوئی بیاورید.**

**یکی از حضار : آقای خوئی می‌گویند که اقول لا یکون الشاذکونی لقب لسلیمان بن داوود فقط یوصف به نفسه وقد یقال ابن الشاذکونی ثم لا ینبغی الاشکال فی وثاقة الرجل این معجم شماره‌ی 5447 است . فان النجاشی وعلی بن ابراهیم قد وثقاه ولا یعتمد علی ما نقله العلامة عن ابن الغضائری وذلک لما مر من**

**آیت الله مددی : این باید یک فکر کلی علمای ما بکنند مثل ما بدتر از این هم داریم مثل شاذکونی را نجاشی گفتند ثقة مشهور اهل سنت قبول نکردند یا کذاب یا فلان ، این آها فرهنگ ما را با هم جدا می‌کند این را باید یک فکری برایش بشود که چه کار کنیم چون بالاخره اگر ما بخواهیم تلاقی فرهنگی پیدا کنیم پیش می‌آید دیگر بنشینیم با آنها صحبت کنیم آنها می‌گویند خوب این طوری است ، شما این ، آن وقت این راهی را که من رفتم باز قابل قبول است بگوییم ثقة نجاشی فهرستی است نه رجالی .**

**یکی از حضار : در راستای تایید فرمایشتان شیخ هم در فهرست گفته له کتاب هیچ چیزی نگفته اما دو تا طریق به او نقل کرده یکی از طریق ابن ابی جید یکی از طریق جمال از محمد بن علی بن حسن عن ابیه**

**آیت الله مددی : محمد بن حسن ؟**

**یکی از حضار : و اخبرنا جماعة عن محمد بن علی بن حسین عن ابیه و محمد بن حسن سعد بن عبدالله وحمیری و محمد بن یحیی احمد بن ادریس احمد بن محمد عن القاسم بن محمد عن سلیمان بن داوود .**

**آیت الله مددی : ببینید مشایخ قم قبول کردند ، روشن شد ؟ نجاشی نظرش این است آن وقت مشایخ قم آن مقداری را که نقل کردند قبول کردند اگر فهرستی شد بحث را بر خود شخص نیست ، یک مقدار از آثارش را که دیدند با عقاید شیعه جور درمی‌آید و مناسب با شیعه است قبول کردند نجاشی از این جهت گفته ثقه**

**یکی از حضار : نصف احادیثش برای حفص بن غیاث است .**

**آیت الله مددی : حفص بن غیاث هم از امام صادق نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : مستقیم از امام صادق یک مقدار کمش را از حضرت موسی بن جعفر**

**آیت الله مددی : حفص بن غیاث خیلی قاضی موفقی است خیلی مرد فوق العاده ای است در کوفه بود وقتی هارون قاضی می‌خواست برای بغداد سه تا از بزرگان کوفه را گفت بیاورید بغداد که من انتخاب بکنم یکی که وارد شد اسمش را نوشتند چشماهایش را این جوری می‌کرد گفت چه مشکلی داری گفت من درست نمی‌بینیم گفت این مرد کور را برای چه آوردید بیاندازید بیرون آن که دومی می‌لرزید گفت تو چه مشکلی داری گفت من مرض رعشه دارم گفت به قول اصفهانی‌ها این منار جنبان را هم بیاندازید بیرون ، حفص بن غیاث قبول کرد آن دو تا گفتند ما با این وسیله دینمان را خریدیم یعنی با این بازی از دست هارون خلاص شدیم ، حفص بن غیاث بعد خیلی هم به او اشکال کردند که تو با این مقام چرا قبول کردی ؟ گفت رکبتنی الدیون خیلی مقروض شدم راهی نداشتم ، مجبور شدم قاضی بشوم تا دیونم را بدهم .**

**آن وقت وکیع بن جراح که خوب یک راوی خیلی معروف است ، البته حفص بن غیاث به نظرم در بخاری هم هست .**

**یکی از حضار : در نقل‌های عمده‌ی نقل‌هایش که عرض کردم قاسم بن محمد است راوی دوم قاسم بن محمد ابراهیم بن هاشم است آقای خوئی اشاره فرمودند ابراهیم بن هاشم فقط در کافی شصت و شش تا نقل از طریق دارد .**

**آیت الله مددی : اینها اصحاب ما دقت کردید ؟ من آن شب عرض کردم دو تفکر است ، این جا ما این احتمال را ما دادیم برای اولین بار که ثقة نجاشی توثیق فهرستی باشد ، نه توثیق رجالی . آن وقت توثیق فهرستی چون شما الان دیدید سعد بود حمیری بود ابن الولید محمد بن حسن بن الولید بود اینها همه بزرگان اصحاب هستند خوب نمی‌شود انکار کرد مرحوم نجاشی نظرش این است که مقداری از احادیثش را این بزرگان ما قبول کردند اینها قابل قبول است این بزرگانی که در قم در مقام کارهای فهرستی قبول کردند اگر این احتمال درست باشد این شبهه را می‌تواند حل بکند این شبهه به این جهت می‌شود حل بشود الان اسمائی را که نجاشی خواند اسماء بزرگان بود .**

**یکی از حضار : یعنی شبهه‌ی اینکه چرا نجاشی توثیق کرده ؟**

**آیت الله مددی : اها یعنی آنچه که اصحاب ما نقل کردند قابل اعتماد است مثل همان ضعیفٌ که ما از ابن الولید آوردیم آنجا اینها بحث رجالی نکردند مثل شما ، اینها مقداری از احادیثش را دیدند این احادیثش با روایات اهل بیت می‌ساخت این مقدار را قبول کردند .**

**یکی از حضار : این تعبیر ایشان که گفته غیر انه روی عن جماعة اصحابنا من اصحاب جعفر بن محمد که نبود که باز هم روایتش از اصحاب خودشان است .**

**آیت الله مددی : نه**

**یکی از حضار : حفص بن غیاث است بعد سفیان بن عیینه است همه‌اش جماعت خودشان است .**

**آیت الله مددی : باشد جماعت خودشان ، ممکن است آن روایتی که از اصحاب ماست الان دست ما نرسیده است ، حفص بن غیاث راوی است .**

**یکی از حضار : محمد بن حمزه‌ی بطائنی است .**

**آیت الله مددی : خوب اصحاب ماست دیگر به هر حال .**

**یکی از حضار : خوبش این است تازه**

**آیت الله مددی : بله ، حفص بن غیاث عرض کردم قاضی بود این وکیع بن جراح خیلی با او رفیق بود وکیع تا آخر عمر گفت دیگر با تو صحبت نمی‌کنم تو چرا قبول کردی دستگاه قضا انقطع عنه الی آخر عمره گفت تا آخر با تو صحبت نمی‌کنم غرض این چیزی که در بین ذهن ما هست که مثلا آن ها با دستگاه بودند ما ها نبودیم آن ها هم درش داشتند غرض آن ها از این**

**یکی از حضار : وکیع خیلی مقدس هم بوده آن شعر را می‌گوید شکوت الی وکیع سوء حفظی فارشدنی الی ترک المعاصی وقال الم بان العلم فضل وفضل الله لا یوتاه عاصی مقدس بوده که گفته این شعر را**

**آیت الله مددی : غرض اینکه**

**یکی از حضار : در تهذیب این است که وکان وکیع ربما سئل عن الشیء فیقول اذهبوا الی قاضینا فاسئلوه فکان شیخا عفیفا مسلما تعریفش کرده در حفص غیاث**

**آیت الله مددی : شیخ عفیف بود می‌گوید چرا قبول کردی ؟ بله می‌گوید ترکه دارد در میزان**

**یکی از حضار : می‌گوید اذهبوا الی قاضینا فاسئلوه**

**آیت الله مددی : یعنی از او بپرسید این آدم صالحی است اما خودش با او صحبت نمی‌کرد چون قبول کرد .**

**یکی از حضار : خیلی ترجمه‌ی مفصلی دارد این حفص بن غیاث**

**آیت الله مددی : خیلی**

**یکی از حضار : خلق کثیر روی عن خلق کثیر**

**آیت الله مددی : بله این روایتش از جعفر بن محمد در کتب سنی‌ها هست روی عن جعفر دارد ، نجاشی نوشته روی عن جعفر مائة وسبعین حدیث اصلا کتابش صد و هفتاد تا حدیث است این بحث‌های فهرستی ماست کتاب را توثیق کردند معین کردند این کتاب صد و هفتاد حدیث است .**

**یکی از حضار : بله در تهذیب می‌گوید و جعفر بن محمد بن محمد بن علی الصادق م د ق**

**آیت الله مددی : م یعنی مسلم ، د ابو داوود ، ق هم ابن ماجه قزوینی .**

**یکی از حضار : اما در بقیه‌ی چیزها بخاری دارد همه را دارد خ ، س ،**

**آیت الله مددی : بله حفص عرض کردم در ذهن من هم هست که بخاری از او ، خیلی مرد بزرگواری است می‌گویم لذا به او اشکال کردند تو چرا قاضی شدی چرا قبول کردی گفت رکبتنی الدیون ، دیون نگذاشت .**

**علی ای حال این برای آشنایی اجمالی چون یک مطالبی خوانده می‌شود می‌خواهم فضای مساله باز بشود لذا یک مقدار آشنایی اجمالی . به هر حال این روایت اربعین صوم ایشان نقل می‌کند از سلیمان بن داوود شاذکونی بعد از چه کسی ؟ اربعین وجه ، وجوه صوم . ما الان یکی از روایاتی که از امام سجاد داریم این است یکی رساله‌ی حقوق است که چاپ هم کردند و شروح هم بر آن نوشتند اصلا آن توفیق الفکیکی دو جلد قطور نسبتا شرح رساله است .**

**یکی از حضار : دوم سلیمان بن داوود ، راوی دومش سفیان بن عیینه است که اینجا همه**

**آیت الله مددی : سفیان نقل می‌کند**

**یکی از حضار : حفص راوی اولش از لحاظ تکرار ، دومی‌اش سفیان بن عیینه است .**

**آیت الله مددی : یعنی عن حفص عن سفیان**

**یکی از حضار : نه در کتاب‌ها از لحاظ تعداد تکرار در کتاب‌های ما سفیان ، یکی حفص**

**آیت الله مددی : نه این حدیث اربعین وجه را از چه کسی نقل کرده است ؟**

**یکی از حضار : عن سفیان**

**آیت الله مددی : عن سفیان ؟**

**یکی از حضار : بله عن سفیان بن عیینه عن زهری**

**آیت الله مددی : عن زهری ، اینها از بزرگان اهل سنت هستند قبول کردند اصحاب ما چون حدیث بین مشایخ قم ، چون عرض کردم مشایخ قم یک نکته‌ای بود که فرقشان است با مشایخ بغداد این می‌دانستند که در بغداد اگر مساله‌ای منصوص نباشد بعینه روی قیاس ، قیاس هم در آن زمان اخذ به اطلاق و عموم و اینها ، قمی‌ها معتقد بودند تا جایی که می‌توانیم به نصوص برگردیم که مبتلی به عمومات و قیاس و اینها نشویم لذا مثلا همین کتاب سکونی را اگر دقت بشود در عبارت از این جهت قمی‌ها قبول کردند گفتند اگر در کتاب روایاتی باشد در کتاب سکونی که معارض در اصحاب ما نباشد فتوا هم از اصحاب به خلافش نباشد قبول می‌کنیم چرا چون می‌خواستند مساله ماثور باشد ، چون اگر ماثور نبود به قواعد رجوع می‌کردند این نکته را تا حالا در سکونی باید مفصل بگوییم حالا اگر رسیدیم در این دوره‌ی اخیری که چهار پنج سال قبل بود به نظرم قبل از کورونا وارد سکونی شدیم نه روز راجع به سکونی صحبت کردیم یعنی در حقیقت رجوع به کتاب سکونی برای اینکه مبادا به قواعد برگردیم ماثور باشد .**

**از زمان ابن ادریس کم کم رجوع به قواعد و اینها راه افتاد دیگر بعد دیگر زمان علامه زیاد شد زمان علامه که زیاد شد خوب روایات سکونی را ترک می‌کنیم برمی‌گردیم به قواعد دیگر مشکلی نیست روشن شد چه شد ؟ یعنی یک تفکری در جامعه حاکم بود در قم دقت کردید این بزرگان گفتند حالا ما که خودمان حدیث نداریم این سنی این حدیث را از زهری از علی بن الحسین گفته ماثور باشد بهتر است ، این فعلا یک چیزی باشد به عنوان ماثور از حضرت اگر به نظرم یک جایی‌اش هم صدوق می‌گوید این درست نیست یک جای حدیث اربعین وجها در همین کتاب خصال به نظرم در خصال وقتی می‌آورد یکی دو قطعه‌اش را خود صدوق اشکال می‌کند می‌گوید هکذا ورد فی الروایات لکن قابل قبول نیست . به نظرم این طور ذهنا چون خیلی وقت است من روایت را ندیدم ، به نظرم چهل سال هم بیشتر باشد خیلی است اصلا تازگی به کتاب ، بیست سال و بیست و پنج سال هم بیشتر است حالا چند سال نمی‌دانم .**

**به نظرم در خصال صدوق در باب الاربعین نگاه بکنید به نظرم یک جا یا دو جا قبول نمی‌کند متن روایت را زیر بار نمی‌رود دقت می‌کنید ؟ نجاشی هم می‌گوید ثقة به این معنا یعنی مقداری از روایاتش را قمی‌ها و بزرگان و مشایخ قم قبول کردند و الا انصافا اینکه آقای خوئی لا ینبغی الاشکال فی وثاقته خیلی تند بود این عبارت خیلی تند بود غیر مناسب بود نه واقعیتش هم غیر مناسب است اصلا واضح است سلیمان بن داوود شاذکونی حالا مجموعه‌ی کلمات و مجموعه‌ی احادیث بعد هم مثلا خدای نکرده یتعاطی المسکرات این ها را چون آقای خوئی کتب اهل سنت را نگاه نمی‌کردند ، عرض کردم من به آقا عزیز گفتم همان اوائل جلد یک که تازه درآمده بود گفتم که آقا ، چون آقا عزیز هم جزو لجنه بود آقا عزیز گفت من راجع به اسحاق بن رافع یک مقاله‌ی مفصلی نوشتم خود آقا عزیز به من گفت قصه برای 3 – 52 سال قبل است اوائل جلد یک گفت خیلی مقاله‌ی مفصل کلمات اهل سنت راجع به اسحاق دادم به آقای خوئی قبول نکرد گفت نه این به درد من نمی‌خورد .**

**یعنی متعمدا وارد این بحث نشدند ، دقت می‌کنید ؟ آقای چیز چرا مثلا آقای تستری وارد می‌شود آقای ابطحی وارد می‌شود الان عده‌ای هستند از علمای معاصر که رجال می‌نویسند اهل سنت را می‌آورند ، ایشان نه شاید مثلا گاهی اشاره بکند فقط ذکره بعض العامة غرض اینکه ایشان چون نجاشی گفت ما دیگر به تضعیفات عامه و این حرف‌ها ، و الا اگر خدای نکرده همین یتعاطی المسکر همین یکی و یتماجن که این بلند می‌شد می‌رقصید و سر و صدا می‌کرد و جفتک می‌زد اینکه خودش همین یکی کافی است و واضح است یعنی انصافا مثلا فرض کنید حدیثی را حضرت سجاد در چهل وجه روزه بگویند هیچ کس نقل نکند از شیعه جز همین زهری و از آن سفیان و از آن هم مثلا شاذکونی اصلا خیلی آدم یک جورش می‌شود .**

**یکی از حضار : هم در مقنع این را آورده عنوان بابش ابواب الصوم باب ان الصوم علی اربعین وجها ، در فقه الرضا هم هستش .**

**آیت الله مددی : اینها قبول ، علامت قبول است .**

**یکی از حضار : در هدایة هم باب فی ان الصوم علی اربعین وجها روی عن الزهری**

**آیت الله مددی : نه در خصال بیاورید ببینید**

**یکی از حضار : نه ذیلی نداشت در خصال**

**آیت الله مددی : از اول که می‌آید در وسط‌هایش قال محمد بن علی بن الحسین ، گاهی در وسط‌هایش می‌گوید ذیل نه همین طوری که دارد می‌آورد در یک عبارتش قال محمد بن علی بن الحسین این یکی را قبول ندارم . در ذهن من اجمالا این هست که یک جایی از این چهل تا را قبول نمی‌کند حالا یا صدوق است یا غیر صدوق است الان در ذهنم نمی‌آید به هر حال آن چون بحث فقهی است باید وارد بحث فقهی بشویم که جای ما نیست من نکته‌ی دیگرم سر این بود که چرا بحث‌های فهرستی قرن اول را نمی‌گوییم می‌خواستیم یک توضیحی داده بشود خیلی امشب صحبت کردیم ندارد آنجا ؟ از اول تا آخر حدیث .**

**یکی از حضار : بله چشمی نگاه کردم نبود .**

**آیت الله مددی : خیلی خوب پس من اشتباه کردم .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**